

## مهم‌ترین دلایل پیوند میان عاشورا و انتظار، از منظر روایات

### 1. خاندان واحد

هرچند که نسبت‌های خونی، تنهاترین عامل انتقال صفات و خُلقیات، از نسلی به نسل دیگر نیست، اما همین عامل، یکی از اصلی‌ترین عوامل اتصال صفات و خصوصیات جسمانی و نفسانی از گذشتگان به آیندگان است.

حضرت مهدی(عج)، فرزند با واسطه امام حسین(ع) محسوب می‌شود و این رابطه پدر و فرزندی، صرف نظر از صفات مشترک الهی، تا حدودی تعامل میان عاشورا و انتظار را تسهیل می‌کند. روایت شده است که پیامبر اکرم(ص) در یکی از روزهای آخر عمر مبارکشان، در حالی که دستشان را به شانه امام حسین(ع) گذاشته بودند، خطاب به حضرت فاطمه(س) فرمودند: «مِنْ هَذَا مَهْدِي الْأُمَّةُ<sup>۱</sup>؛ مهدی امت، از نسل این فرزندم است».

امام حسین(ع) می‌فرماید: «قَائِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ النَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ وَهُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَهُوَ حَيٌّ<sup>۲</sup>؛ نهمین فرزند من، قائم به حق است و او صاحب غیبت خواهد بود که خداوند، زمین مرده را به وسیله او دوباره زنده خواهد کرد».

### 2. مکتب واحد

در دین مبین اسلام، در کنار کتاب خداوند، ائمه مظهر هدایت، معرفی شده‌اند. از این رو استراتژی تمامی معصومین(ع) را باید در فرهنگ و مکتب واحد مورد مطالعه قرار داد. مکتب اسلام، جانبازی و ایثار برای حفظ ارزش‌ها را اصلی مسلم دانسته است؛ چنان‌چه امام حسین(ع) فرموده اند:

«همانا من به منظور ایجاد اصلاح در امت جدم، رسول خدا(ص) قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جد و پدرم عمل نمایم»<sup>۳</sup>.

اساس فرهنگ انتظار نیز بر ظهور حضرت مهدی(عج) و احیای سنت‌های فراموش‌شده اسلام و نابودی سنت‌های باطل، استوار است.

همان‌گونه که از پیامبر(ص) روایت شده است: «زمانی که خداوند بخواهد اسلام را عزیز کند،

<sup>۱</sup>. بحار الانوار، ج 51، ص 91

<sup>۲</sup>. همان، ص 134

<sup>۳</sup>. همان، ج 44، ص 329

تمامی ستمگران را نابود می‌نماید و خداوند بر این‌که امت را پس از تباه‌شدنش اصلاح کند، تواناست»<sup>۴</sup>.

### 3. اهداف واحد

از مجموع سخنان امام حسین(ع)، اهداف والای نهضت عاشورا به خوبی روشن می‌شود که احیای قرآن، احیای سنت نبوی و سیره علوی، از بین بردن کج‌روی‌ها، حاکم ساختن حق، حاکمیت بخشیدن به حق‌پرستان، از بین بردن سلطه استبدادی حکومت ستمگران و تأمین قسط و عدل در تمامی عرصه‌ها از آن جمله است. از سوی دیگر، وقتی اهداف قیام منجی عالم بشریت و ویژگی‌های حکومت آن حضرت را مطالعه می‌کنیم، همین اهداف و انگیزه‌ها را در آن مشاهده می‌کنیم.

حضرت امام حسین(ع)، شخصاً از تحقق اهداف خود توسط فرزندش حضرت مهدی(عج)، این‌گونه خبر می‌دهد: «اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آن که از ظلم و ستم پر شده بود، پر از عدل و داد نماید»<sup>۵</sup>.

### 4. خط مشی واحد

ائمه(ع) نه تنها هیچ‌گاه حکومت‌های نامشروع جور را تأیید نکردند، بلکه بسته به شرایط، علیه آن‌ها نیز به پا خواستند؛ لذا عاشورا و انتظار را باید از حیث راهبرد و خطّ مشی، در این چارچوب بررسی کرد. بررسی‌ها به سهولت ثابت می‌کنند که استراتژی امام حسین(ع) و حضرت مهدی(عج)، از این نظر نیز، منطبق هستند.

در واقع قیام اباعبدالله(ع) از آن‌جا کلید خورد که «ولید بن عتبّه» فرماندار مدینه، از ایشان خواست که یا با یزید بیعت کند و یا تبعید را بپذیرد. این خواسته، برای امام چنان سهمگین بود که برآشفتمند و فرمودند: «همانا نابکار، فرزند نابکار، مرا بین مرگ و ذلت قرار داده است و ذلت از ما دور باد»<sup>۶</sup>.

ایشان، در جایی دیگر علت عدم بیعت با یزید را این‌گونه بیان می‌کنند: «یزید رَجُلٌ فَاسِقٌ، شاربُ الخمر، قاتلُ النفسِ المحترمة، مُعلنٌ بالفسق و مثلی لا یُباع بِمثله»<sup>۷</sup>؛ «یزید، فردی فاسق، شراب‌خوار، قاتل جان بی‌گناهان و ظاهر الفسق است و کسی مانند من با چنین شخصی بیعت

<sup>۴</sup>. همان، ج 51، ص 83

<sup>۱</sup>. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج 1، ص 317.

<sup>۶</sup>. بحار الانوار، ج 45، ص 8

<sup>۷</sup>. همان، ج 44، ص 325

نمی‌کند».

در موضوع مهدویت و انتظار نیز، مسئله عدم بیعت با حکومت نامشروع، کاملاً برجسته است. حضرت مهدی (عج)، خود، در این باره می‌فرمایند: «همانا هیچ‌کدام از پدران من نبودند، مگر آن‌که بیعتی از ستمکاران برگردن داشتند و من، خروج و ظهور خواهم کرد، در حالی که هیچ بیعتی با طواغیت، به گردن ندارم».<sup>۸</sup>

امام صادق (ع) نیز بر این موضوع، این‌گونه تصریح می‌کنند: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ»<sup>۹</sup>؛ «قائم قیام می‌کند، در حالی که در قبال هیچ‌کس، بیعتی ندارد».

---

<sup>۸</sup>. احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱

<sup>۹</sup>. منتخب الاثر، ص ۳۵۷